



# جلوه‌های جمال درسورده‌های قرآن



علی چراغی  
دبیر آموزش و پرورش

اشاره

علوم دیگر آشنایی نبوده است تا خداوند اعجاز علمی قرآن را به رخ آنان بکشد. این بعد از اعجاز قرآن، برای عصر ما و دوره‌های بعد از ماست که بشر توانسته است بر مختصری از علوم غیر ادبی دست یابد.

خداوند متعال تمام سخن‌دانان و سخن‌سنان را برای آوردن نظیر قرآن به مبارزه طلبیده است، چون می‌داند هیچ سخنوری را یارای مقابله با آن نیست و هرگاه گام در این راه نهاد، خود را رسوا ساخت.

به‌راستی چرا کسی را توانایی آوردن همسان قرآن نیست؟

قرآن، کتاب خدا و معجزه جاودانه اوست. با آن انس و جن را به تحدی طلبید تا اگر می‌توانند نظیر آن یا سوره‌ای چون آن را بیاورند. اما هیچ‌کس را یارای آن نبود که با آن هماوردی کند؛ از بس شکوهمند و متعالی است و در آن، لفظ و مضمون به گونه‌ای بی‌نظیر در خدمت یکدیگرند.

مراد از اعجاز قرآن و تحدی در زمان نزول آن، قطعاً اعجاز علمی نبوده اگر چه برای دوره‌های بعد تحدی علمی هم می‌باشد، بلکه اعجاز از نظر لغت و بیان که سخت مورد توجه عرب‌زبانان است بوده زیرا جامعه بی‌سواد عرب را با

سورهٔ حمد هر چند از نظر ترتیب در آغاز قرآن قرار گرفته است، لیکن تنها سوره‌ای است که می‌تواند قبل یا بعد از سوره‌های دیگر قرآن آورده شود و از نظر معنا با سوره‌های ماقبل و مابعد در تعارض نباشد

قرآن در سوره‌های یونس آیه ۵۷، اسراء آیه ۸۲ و فصلت آیه ۴۴ مورد تأکید قرار گرفته است. کافیه: چون هم ثواب تلاوت آن معادل ثواب تلاوت کل قرآن است و هم از نظر معنا خلاصهٔ کل قرآن است. ال‌اساس: چون تمام برنامه‌های زندگی بشر را آن گونه که بعداً در «نکته‌ها» خواهیم دید، در بردارد. القرآن العظیم: چون از عظمت کل قرآن برخوردار است.

### چند نکته

۱. سورهٔ حمد هر چند از نظر ترتیب در آغاز قرآن قرار گرفته است، لیکن تنها سوره‌ای است که می‌تواند قبل یا بعد از سوره‌های دیگر قرآن آورده شود و از نظر معنا با سوره‌های ماقبل و مابعد در تعارض نباشد.

۲. با الله (الحمد لله) شروع شده و با «الناس» که آخرین کلمهٔ قرآن است، تناسب دارد.

۳. علی‌رغم کوتاهی سوره، تمام مضامین قرآن را دربر دارد؛ زیرا شامل:

الف) عقیده است: الحمد لله رب العالمین، الرحمن الرحیم، مالک يوم الدين.

ب) عبادت است: إياك نعبد و إياك نستعين.

ج) برنامهٔ زندگی است: اهدنا الصراط المستقیم. صراط الذین أنعمت علیهم، غیر المغضوب علیهم ولا الضالین.

هر چه در دیگر سوره‌های قرآن آمده، شرح این سه محور است.

۴. این سوره امور اساسی دین را یکجا در خود جمع کرده است:

الف) شکر نعمت خدا: الحمد لله.

ب) اخلاص لله: إياك نعبد و

إياك نستعين.

پاسخ به این پرسش کاملاً روشن است. زیرا در قرآن مجید، دقت در اختیار مفردات شگفت‌انگیز است و هر واژه‌ای در جایی قرار گرفته است که باید باشد. اگر آن را با کلمهٔ مترادف دیگری جای‌گزین کنند یا آن را مقدم و مؤخر کنند یا هر تغییر دیگری در آن به‌وجود آورند، دیگر معنای مورد نظر را القا نخواهد کرد.

هدف از این مجموعه مقالات آن است که اگر خدا توفیق دهد، حتی‌المقدور گوشه‌هایی از این بُعد از اعجاز قرآن را در تمام سوره‌ها به عرض دبیران ارجمند قرآن، دینی برسانم؛ شاید در کلاس‌های درسی مورد استفاده قرار گیرد و فرزندان ما بیش از پیش برای انس با قرآن انگیزه پیدا کنند. **کلیدواژه‌ها:** حمد، قرآن، ام‌الکتاب، سوره، سبع‌المثانی.

### سورهٔ حمد

برخی از نام‌های این سوره

فاتحه‌الکتاب: چون قرآن با آن آغاز می‌شود.

أم‌الکتاب: چون مادر کل سوره‌های قرآن است؛ همان‌طور که حوّا «أم‌البشر» است. جالب این‌که حوا در حروف ابجد معادل عدد ۲۱ است و در این سوره، ۲۱ حرف از حروف ابجد به کار رفته است.

سبع‌المثانی: چون دارای هفت آیه است که الفاظ آن‌ها غالباً تکراری هستند. در ضمن تنها سوره‌ای است که دوبار بر پیامبر نازل شده: یک بار در مکه و بار دوم در مدینه. لذا هم مکی است و هم مدنی.

الحمد: چون خداوند چگونگی ستایش خویش را در این سوره به ما می‌آموزد.

شفافیه: چون به فرمودهٔ رسول خدا شفا دهنده است و این صفت به طور عام کل قرآن را شامل می‌شود و سه بار در

## یکی از ویژگی‌های قرآن، بُعد آموزشی آن است. یعنی این‌که خداوند متعال گاه مطالبی را به انسان می‌آموزد که دوست دارد او را آن‌گونه مورد خطاب قرار دهد

کتاب، سوره و حتی آیه‌ای چون آیات آن نیست [بقره/ ۲۳ و یونس/ ۳۸]. بررسی این مقوله به‌راستی موجب شگفتی خواننده می‌شود؛ حتی اگر غیرمسلمان باشد.

برای گام نهادن در این عرصه و بیان گوشه‌هایی از جلوه‌های بیانی از جمال سوره مبارکه «حمد»، از نخستین آیه این سوره، یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»<sup>۱</sup> شروع می‌کنیم:

۱. یکی از ویژگی‌های قرآن، بُعد آموزشی آن است. یعنی این‌که خداوند متعال گاه مطالبی را به انسان می‌آموزد که دوست دارد او را آن‌گونه مورد خطاب قرار دهد. برای مثال، وقتی حضرت آدم (ع) از فرمان خدا سرپیچی کرد و به زمین تبعید شد، به سختی پشیمان بود و نمی‌دانست چه کند یا این‌که چه بگوید تا خداوند از سر تقصیر او بگذرد. اما خداوند او را در آن بحران روحی تنها نگذاشت: «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» [بقره/ ۳۷] (پس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت کرد و خداوند بر او بخشود). بدین ترتیب، خداوند کلماتی را به آدم آموخت تا آن‌ها را تکرار کند و مورد بخشش قرار گیرد!

سوره «حمد» نیز تقریباً چنین وضعیتی دارد. یعنی خداوند متعال در این سوره به ما می‌آموزد که چگونه او را ستایش کنیم تا حق مطلب را ادا کرده باشیم. لذا می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» و اگر نبود این سوره، ما نمی‌دانستیم چگونه خدا را ستایش کنیم که در شأن او باشد. ادامه موضوع در شماره‌های بعدی عرضه خواهد شد.

پی‌نوشت

۱. حذف همزه از «بسم» براساس یک رسم الخط ثابت قرآنی صورت گرفته است. یعنی این‌که هرگاه همزه به لفظ جلاله (الله) اضافه شود و بر سر آن حرف «باء» بیاید، حذف می‌شود.

ج) صحبت نیکان: صراط‌الذین انعمت علیهم.

د) ذکر اسماء و صفات الهی: الرحمن الرحیم.

ه) راه درست رفتن: اهدنا الصراط‌المستقیم

و) ذکر آخرت: مالک‌یوم‌الدین.

ز) دربرداشتن مهم‌ترین دعاها: اهدنا الصراط‌المستقیم...

ح) تأکید بر اهمیت وحدت و خیرخواهی برای جمع: اهدنا

۵. سوره حمد از دو بخش «ستایش خدا» و «دعا برای

طلب هدایت از خدا» تشکیل شده است. شگفت این‌که هم

بخش اول (از الحمد لله - تا - ای‌ک نستعین) و هم بخش دوم

(از اهدنا - تا - والاضالین) دارای ۶۳ حرف است.

### برخی لطایف سوره حمد

۱. این سوره با «غیرالمغضوب علیهم» و «الضالین»

تمام می‌شود و بلافاصله سوره بقره به موضوع «مغضوب

علیهم» (بنی اسرائیل) می‌پردازد. در سوره بعد (آل عمران)،

سرگذشت «الضالین» (نصارا) مطرح می‌شود.

۲. سوره حمد با دعای «اهدنا الصراط‌المستقیم» پایان

می‌پذیرد. این پایان، با آغاز سوره بعدی، یعنی بقره (هدی

للمتقین) تناسب کامل دارد. یعنی این‌که «صراط‌مستقیم»

همان «هدایت» است.

۳. سوره حمد با «الحمد لله رب العالمین» شروع می‌شود

و این آیه با آخرین آیه آخرین سوره قرآن (الناس) از این

نظر تناسب پیدا می‌کند که قرآن هدایت‌گر همه مخلوقات

است؛ نه فقط انسان، بلکه انس و جن، و نه تنها مسلمانان،

بلکه پیروان همه ادیان.

### جلوه‌های بیانی از جمال سوره حمد

ما مسلمانان بر این باوریم که قرآن کریم، هم از نظر لفظ

و هم از حیث معنا «اعجاز» است و هیچ بشری قادر به آوردن